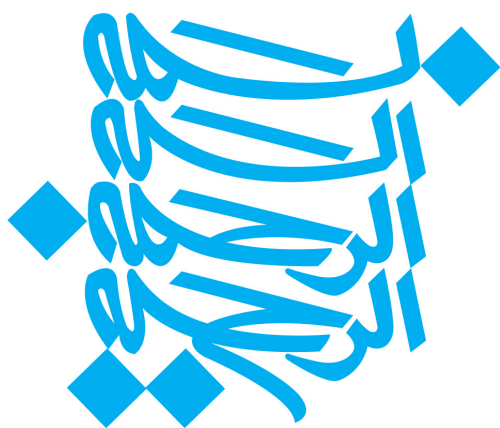




مدیریت بدن

با تأکید بر نگرش اسلامی

علی کیا دربندسری



انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری
دین و معنویت آل یاسین

فهرست مطالب

۱۱	سخن ناشر
۱۳	دیباچه
	فصل اول: مفهوم شناسی، پیشینه‌شناسی و تیپ شناسی
۲۵	۱) مفهوم شناسی
۲۵	یک) مدیریت بدن
۲۸	دو) حجاب
۲۸	الف) در لغت
۲۹	ب) در اصطلاح
۳۳	سه) ستر و پوشش
۳۳	الف) در لغت
۳۴	ب) در اصطلاح
۳۵	چهار) زینت و آرایش
۳۵	الف) در لغت
۳۵	ب) در اصطلاح
۳۶	پنج) عفاف
۳۶	الف) در لغت
۳۷	ب) در اصطلاح
۳۸	شش) مانکنیسم

۳۸	الف) در لغت
۳۸	ب) در اصطلاح
۳۹	هفت) دستکاری های بدنی
۳۹	۲) عوامل شکل گیری مفهوم مدیریت بدن در دوره مدرن
۳۹	یک) اهمیت یافتن بدن
۴۳	دو) از بین رفتن تفکیک های رایج
۴۵	سه) جنبش های فمینیستی
۵۰	چهار) تحولات پزشکی
۵۲	پنج) تغییر مفهوم هویت
۵۵	شش) تأثیر گذاری رسانه ها
۶۰	۳) سیر تاریخی تغییر در پوشش ایرانیان
۶۰	یک) ورود مدرنیته به ایران
۶۷	دو) سفر ناصرالدین شاه به فرنگ
۷۴	سه) انقلاب لباس
۸۱	چهار) ظهور انقلاب اسلامی
۸۴	۴) نگاهی آماری به وضعیت پوشش زنان و مردان
۹۴	۵) تیپ شناسی سبک های مختلف پوششی و آرایشی زنان ایران
۹۴	یک) حجاب به مثابه تکلیف
۹۶	دو) حجاب به مثابه ایدئولوژی
۹۷	سه) حجاب سنتی
۹۹	چهار) حجاب زیبایی شناختی
۱۰۰	پنج) حجاب بازاندیشانه
۱۰۱	شش) پوشش به مثابه سبک زندگی
۱۰۲	هفت) پوشش مدمحور (تیپ اینترنتی)
۱۰۳	هشت) فشن لس (Fasionless)
۱۰۴	نه) پوشش فمینیستی

- ۱۰۸ (۶) آرایش
 ۱۰۸ یک (پیشینه آرایش در ایران
 ۱۱۰ (دو) نگاهی آماری به وضعیت آرایش در ایران
 ۱۲۱ (۷) دستکاری‌های بدنی
 ۱۲۱ یک (پیشینه دستکاری‌های بدنی
 ۱۲۴ (دو) نگاهی آماری به وضعیت دستکاری‌های بدنی در ایران
 ۱۲۸ نتیجه‌گیری

فصل دوم: نگاه اسلام به مسأله مدیریت بدن

- ۱۳۴ (۱) پوشش و آرایش در آیات و روایات
 ۱۳۴ یک (پوشش و آرایش در آیات قرآن کریم
 ۱۴۶ (دو) پوشش و آرایش در روایات اسلامی
 ۱۵۶ (۲) حدود حجاب
 ۱۵۹ (۳) حکمت‌های حجاب
 ۱۵۹ یک (پاکیزگی معنوی
 ۱۶۰ (دو) افزایش امنیت فردی و اجتماعی زنان
 ۱۶۱ سه (افزایش بازدهی علمی و اقتصادی جامعه
 ۱۶۲ چهار (حفظ حرمت و شخصیت زن
 ۱۶۳ (۴) مانکنیسم و دستکاری‌های بدنی از نگاه اسلام
 ۱۶۳ یک (اهمیت بدن از دیدگاه اسلام
 ۱۶۶ (دو) تفاوت دیدگاه اسلام و دیدگاه مدرن در اهمیت بدن
 ۱۶۷ الف (روح و تمایز آن از بدن
 ۱۷۰ ب (تغییر در بدن
 ۱۷۵ نتیجه‌گیری

فصل سوم: آسیب‌ها و راهکارها

- ۱۸۱ (۱) علل توجه افراطی به مدیریت بدن
 ۱۸۱ یک (علل فردی

- ۱۸۱ الف) نقش دینداری و گرایش‌های دینی
- ۱۸۲ ب) نوگرایی، بازاندیشی و ساخت هویت جدید
- ۱۸۳ ج) نفی خود و پنهان کردن خویش
- ۱۸۴ دو) علل روانی
- ۱۸۴ الف) تمایل به جلب توجه و خودنمایی
- ۱۸۵ ب) تشخیص‌طلبی، برتری جویی و تمایزطلبی
- ۱۸۷ ج) نارضایتی از بدن؛ نقصان عزت‌نفس
- ۱۸۸ د) تغییر وضعیت روحی
- ۱۸۹ سه) علل اجتماعی
- ۱۸۹ الف) نقش رسانه در ایجاد تمایل به مدیریت بدن
- ۱۹۰ ب) همنوایی با دیگران و نقش گروه همسالان
- ۱۹۱ ج) ضعف جامعه‌پذیری و تربیت اجتماعی
- ۱۹۳ د) کسب فرصت‌ها و سرمایه اجتماعی بیشتر
- ۱۹۵ ۲) پیامدهای منفی افراط در مدیریت بدن
- ۱۹۶ یک) تبدیل بدن به یک دارایی مادی
- ۱۹۷ دو) کاهش میزان بازدهی کار و تحصیل در جامعه
- ۱۹۸ سه) استفاده ابزاری از زیبایی زنان
- ۱۹۹ چهار) توقف شخصیت
- ۲۰۰ پنج) کاهش امنیت فردی و اجتماعی
- ۲۰۳ شش) کاهش ازدواج و بی‌علاقگی به آن
- ۲۰۴ هفت) پیامدهای ناشی از بی‌بند و باری و روابط نامشروع
- ۲۰۴ هشت) افزایش طلاق
- ۲۰۵ نه) افزایش جنایت و خشونت علیه زنان
- ۲۰۶ ۳) پیشگیری از توجه افراطی به بدن از دیدگاه اسلامی
- ۲۰۶ یک) سطح فردی
- ۲۰۶ الف) بازتعریف زیبایی

۲۰۷	ب) تقویت فرهنگ غیرت
۲۰۹	دو) سطح اجتماعی
۲۰۹	الف) اصلاح شیوه اجتماعی کردن افراد
۲۱۰	ب) تبدیل سازمان‌ها به نهادهایی پر نفوذ
۲۱۱	ج) نهادینه کردن حجاب از کودکی در خانواده و مدارس
۲۱۱	د) معرفی الگوهای صحیح پوشش و آرایش
۲۱۲	ه) تبیین پیامدهای منفی رعایت نکردن پوشش و آرایش درست
۲۱۳	و) تبیین آثار مثبت و پیامدهای نیک حجاب اسلامی
۲۱۴	ز) تشویق به ازدواج و تسهیل آن
۲۱۵	ح) نقش محیط آموزشی
۲۱۶	ط) پررنگ کردن نقش رسانه‌های جمعی
۲۱۷	سه) سطح مدیریتی و سازمانی
۲۱۹	الف) ابهام زدایی از صورت مسئله
۲۲۰	ب) شناخت زمانه و پارادایم‌های فکری مسلط بر آن
۲۲۳	ج) جایگزین کردن سیاست‌های تعریضی به جای تصریحی
۲۲۶	د) اتخاذ سیاست‌های فرهنگی ضد استخفاف
۲۲۸	ه) شناخت درست چرخه تولید تا مصرف
۲۳۰	و) اصلاح شیوه‌های کنترل اجتماعی
۲۳۲	ز) هماهنگی با آهنگ پرشتاب دوران معاصر
۲۳۴	سخن پایانی
۲۳۷	کتابنامه

دیاچہ

اگرچه دستاوردهای عظیم بشر در طول دوران مدرن چنان فراوان است که نمی‌توان آن‌ها را انکار کرد اما این موفقیت‌ها نباید مانعی برای بررسی نقاط ضعف، کاستی‌ها و کمبودهای این دوران تلقی شود. این دوره تاریخی می‌بایست با همان عقلانیتی که خود به وسیله آن ادوار تاریخی دیگر را نقادی می‌کند، مورد ارزیابی دقیق قرار گیرد. با این وجود باید توجه داشت در شرایط فکری فعلی که قالب‌های مفهومی دوران مدرن بر اندیشه انسان امروزی سیطره یافته‌اند، دشوار است که بتوان از محدودیت‌های سبک زندگی مدرن، به ویژه رفتارهای پوششی و آرایشی و اقتضائات بدنی انسان متجدد، سخن گفت. دشواری این امر از آن روست که ما در دوران تشدید مدرنیته یا مدرنیته تشدید شده به سر می‌بریم؛ دورانی که در آن مبانی مدرنیته به تمامی استقرار یافته و قواعد فکری تجدّد چنان بر اندیشه افراد مسلط شده که هرگونه تلاش برای خروج از آن‌ها، یا دست کم تحلیل و ارزیابی آن‌ها، به معنی ورود به منطقه ممنوعه و تجاوز از خطوط قرمز است. باید گفت مدرنیته گرچه با شعار آزادی و نقادی پا به حیات

گذاشت اما اکنون سیطره آن بر افکار همگان چنان است که هرگونه انتقاد و مخالفتی نسبت به آن، پیشاپیش محکوم به شکست تلقی خواهد شد. این واقعیت از وجود تناقضی در ذات مدرنیته حکایت دارد؛ تناقضی که به موجب آن از سویی معلمان و متخصصان، دارای نوعی مرجعیت فرهنگی دانسته می‌شوند و از سوی دیگر دموکراسی و سلیقه دلخواه اکثریت، به عنوان معیاری برای حقانیت معرفی می‌گردد. به عبارت دیگر تناقض موجود در مدرنیته تفاضل میان دو قطب است: کیفیت و کمیت. در بعد کیفی، باومن، استدلال مدرنیته برای اعطای مرجعیت و اقتدار فرهنگی به روشنفکران را چنین صورت‌بندی می‌کند:

اولاً موجودات بشری، ذاتاً کامل و خود بسنده نیستند و انسانی شدن آن‌ها فرایندی است که پس از تولد و به یاری سایر موجودات بشری تحقق می‌یابد. ثانیاً انسانی‌شدن عبارت است از فرایند یادگیری و تحصیل معرفت. ثالثاً یادگیری تنها یک سوی رابطه‌ای است که سوی دیگر آن یاد دادن است. در نتیجه تکمیل فرایند انسانی شدن مستلزم معلمان و آموزش دهندگان خواهد بود و کلید بازتولید مستمر همزیستی در جامعه انسانی در دست پرورش دهندگان است. از این منظر روند تغییرات فرهنگی امری خود به خودی نیست. فرهنگ چیزی است که می‌توان آگاهانه و با رهبری فرهیختگان و روشنفکران آن را تنظیم و هدایت کرد. در این رویکرد تازه دنیای اجتماعی بر پایه آموختن و آموزش شکل می‌گیرد و برای هر شیوه‌ای از زندگی باید معلمی به عنوان مسئول شکل بخشیدن به آن وجود داشته باشد.^۱

در سوی مقابل و در بعد کمی، مدرنیته از ویژگی مشخصی برخوردار است که رنه گنون آن را سیطره کمیت می‌نامد.^۲ این سیطره کمیت که در

۱. باومن، اشارت‌های پست مدرن، ترجمه حسن چاوشیان، ص ۵۳-۴۴.

۲. برای مطالعه بیشتر رک: گنون، سیطره کمیت و علائم آخرالزمان، ترجمه علی محمد کاردان.

ایده‌هایی نظیر جانبداری از نظر اکثریت تجلی می‌یابد، معیار و استاندارد حقیقت را سلیقه اکثریت می‌داند. این اکثریت عامه جامعه است که به تعریف و تعیین حق می‌پردازد و روشن است که سلیقه عمومی افراد جامعه، اغلب در تضادی آشکار با معیارهای تخصصی روشنفکران قرار دارد. به طور معمول سبک رفتاری اکثریت عوام جامعه از معیارهای استاندارد اخلاقی و معرفتی فاصله دارد. به عنوان نمونه امام موسی کاظم علیه السلام در حدیثی خطاب به هشام مذمت اکثریت و تجلیل از اقلیت را در قرآن گوشزد می‌کند:

يَا هِشَامُ ثُمَّ ذَمَّ اللَّهُ الْكَثْرَةَ فَقَالَ «وَإِنْ تُطِيعَ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَضْلُوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» وَقَالَ «وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» وَقَالَ «وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنَ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ» يَا هِشَامُ ثُمَّ مَدَحَ الْقَلِيلَةَ فَقَالَ «وَقَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ» وَقَالَ «وَقَلِيلٌ مَا هُمْ» وَقَالَ «وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ» وَ قَالَ «وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» وَقَالَ «وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ»^۱؛ ای هشام خدا اکثریت را نکوهش نموده و فرموده: اگر از اکثریت مردم زمین پیروی کنی ترا از راه خدا به در برند. و فرمود: و اگر از آنها بپرسی چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده مسلماً می‌گویند: خدا، بگو ستایش مخصوص خداست اما اکثریت آنها نمی‌دانند. و فرمود: و اگر از آنها بپرسی که از آسمان باران فرستد و زمین موات را بدان زنده کند قطعا می‌گویند: خدا، بگو: حمد خدا را اما اکثریت آنها تعقل نمی‌کنند. ای هشام سپس خداوند اقلیت را ستوده و فرموده: و تعداد اندکی از بندگانم شکر گزارند. و فرموده: بسیاری از شریکان به یکدیگر ستم کنند